

عفاف در رفتار

فاطمه فرهادیان^۱

چکیده

موضوع مورد بحث، عفاف در رفتار در حیطه‌ی حجاب و پوشش است. عفت، به معنی پارسایی و آن حالت نفسانی است که انسان را از غلبه‌ی شهوت بازدارد. قرآن به چند رفتار عقیفانه، از جمله رعایت عفت در گفتار، نگاه، شهوت، پوشش، و عفت در کردار، به ویژه در زنان، اشاره می‌کند و تاکید می‌فرماید: صحبت کردن زنان با نامحرم باید عقیفانه و به دور از نرمش و نازک کردن صدا باشد و از هرگونه سخنان غیر ضروری و بیهوده پرهیز کنند. در نگاه به نامحرم نیز زنان همانند مردان از چشم چرانی منع شده‌اند و باید از نگاه بد و هوس آلود چشم پوشی کنند؛ چراکه دیده به منزله‌ی دروازه‌ی دل است و اگر کنترل نشود در کشاندن آن به سمت گناه نقش زیادی دارد.

قرآن زنان را مکلف می‌کند، جاذبه‌ها و زینت‌های ظاهری و باطنی خود را آشکار نکنند، مگر آنچه نمایان است. آنها باید پوششی مناسب که تمام گردن و سینه و اندام‌ها و زینت‌های پنهان آنها را مستور کند

۱- دانش آموخته هیات و معارف اسلامی در مقطع کارشناسی.

داشته باشند که موجب تهییج شهوت مردان نگردد و موجبات آزار و اذیت خود توسط افراد بیمار دل را فراهم نکنند. کردار و راه رفتن آنها نیز باید به دور از جلوه، خودنمایی و جلب توجه باشد. در نظام مقدس اسلام، این امور کاملاً حکیمانه و به مصلحت زن و اجتماع وضع گردیده است.

زنان با رعایت حجاب و عفاف و پوشش کامل و داشتن رفتاری به دور از خودآرایی و خودنمایی می توانند آرامش و آسایش و امنیت خود، خانواده و جامعه را به ارمغان بیاورند و از گسیختگی بنیان خانواده جلوگیری کنند و مانع بسیاری از فتنه‌ها که ریشه در عدم رعایت و حفظ حریم عفاف دارد، گردند.

واژه های کلیدی

عفت: آن حالت نفسانی است که باعث می شود تمام حرکات و رفتار انسان فاقد رذیلت های شهوانی باشد.

تخضعن: از ماده خضوع و در اینجا به معنی نازک و نرم سخن گفتن است.

یغضضن: از ماده غض و به معنی کاهش و کم کردن نگاه است.

یحفظن فروجهن: حفظ فرج و دامن از نگاه نامحرم است.

بیدین: از ابداء به معنی آشکار و ظاهر کردن است.

خمر: جمع خمار است؛ جامه و لباسی که سر و موی زن را می پوشاند.

جیوب: جمع جیب؛ به معنی گریبان و سینه است.

جلایبب: جمع جلباب؛ لباس بلند و سرتاسری که تمام اندام و بدن زن را بپوشاند.

تبرج: به معنی ظاهر شدن در برابر مردم، به صورت خود نمایی است.

یکی از عوامل استحکام خانواده و اجتماع، ملکه‌ی نفسانی عفاف است که اگر در جان پرورانده شود به ثمر نشسته و حاصل آن مصونیت و در نتیجه قرب و نزدیکی به خداوند خواهد بود. عفاف در رفتار در زمینه‌های مختلف و گسترده‌ای، از جمله عفت شکم، عفت کلام و... طرح می‌شود. در این مقاله، فقط به جنبه‌هایی از عفاف می‌پردازیم که در حیطه‌ی حجاب و پوشش قرار دارد.

در آغاز واژه‌ی عفاف را تعریف کرده و سپس با توجه به آیات و روایات به توضیح عفاف در گفتار و نگاه و شهوت و پوشش و کردار پرداخته و تبیین می‌کنیم که زنان در برابر نامحرم باید از هرگونه خودنمایی و رفتار و کردار و سخن و حرکات جلوه‌گرانه که به دور از شأن زنانه است و موجب تحریک مردان می‌گردد، خودداری نمایند و عفت پیشه کنند.

عفاف در رفتار

دین مبین اسلام، به عنوان آیین جامع و کامل خداوند متعال، در حمایت از شخصیت انسانی و معنوی زن و در جهت حفظ عفت عمومی، دستورهای حکیمانه‌ای مبتنی بر لزوم رعایت عفت و حیا در ابعاد گوناگون صادر نموده است. «البته عفاف مخصوص زنان نیست و مردان نیز باید عقیف باشند و لیکن چون مردان به دلیل داشتن قدرت جسمانی و برتری جسمانی این توانایی را دارند که به زن ظلم کنند و بر

خلاف میل او رفتار نمایند، از این رو اسلام بر روی عفت زن تاکید بیشتری نموده است»^۱.

قرآن یکی از ویژگی‌های مؤمنان راستین را، عفاف و پاکدامنی می‌داند و می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأُفْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ﴾ «آنان [مؤمنان] کسانی هستند که دامان خویش را از بی‌عفتی حفظ می‌کنند»^۲.

در فضیلت عفاف روایات بسیاری آمده از جمله:

«افضل العبادۃ العفاف»؛ برترین عبادت، عفت است.^۳

«العفة رأس كل خير»؛ عفت در رأس همه‌ی خوبی‌ها است.^۴

«العفة افضل الفتوة»؛ عفت، برترین جوانمردی است.^۵

«العفة افضل شيمه»؛ عفت برترین خصلت است.^۶

«العفاف يصون النفس و ينزهاها عن الدنيا»؛ عفت نفس را مصون و آن را از پستی‌ها دور نگه می‌دارد.^۷

«العفاف زهادة»؛ عفت پارسایی است.^۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱- بانکی پورفرد، امیرحسین، تدوین آئینه زن، مجموعه موضوعی سخنان مقام معظم رهبری ص. ۲۲۳

۲- مومتون/ ۵.

۳- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ج ۸. ح. ۱۳۱۱۶

۴- همان، ح. ۱۳۱۲۰

۵- همان، ح. ۱۳۱۲۱

۶- همان، ح. ۱۳۱۲۲

۷- همان، ح. ۱۳۱۲۳

۸- همان، ح. ۱۳۱۲۴

با دقت در آیات و روایات در می‌یابیم عفت به معنی مناعت و آن حالت نفسانی است که [انسان را] از غلبه‌ی شهوت بازدارد.^۱ و هم چنین به معنی پارسایی و پرهیزکاری و بازداشتن از حرام است.^۲

به طور کلی، عفت را می‌توان یک صفت انسانی و ملکه‌ی نفسانی و زینت باطنی دانست که موجب می‌شود تمام اعمال و حرکات و گفتار و پوشش انسان، عقیفانه و فاقد رذیلت‌های شهوانی و هوس‌مآبانه باشد.^۳

عفاف از یک سو به عنوان یک مساله‌ی اصلی و بنیادین و فراتر از حجاب و پوشش مطرح است و از سوی دیگر، رابطه‌ی تنگاتنگی با آن دارد؛ چرا که به عنوان یک خصلت و ارزش اختیاری، پوشش را به ارمغان می‌آورد به طور کلی، می‌توان حجاب را میوه و ثمره‌ی عفاف دانست.

گفتنی است، شرم، حیا و اشتیاق به عفاف و پاکدامنی، یک تدبیر نهفته در خلقت و فطرت زن است که او را وادار می‌سازد به طور ناخودآگاه، خود را از چشم نامحرم بپوشاند. به عبارت دیگر، گرایش زن به حفظ عفت خویش، از احساس فطری و الهام غریزی وی نشأت می‌گیرد.

از این رو، قرآن کریم که کتاب انسان‌شناسی و روانشناسی است و مطابق با فطرت آدمی، نیازهای او را تشریح می‌کند، جلوه‌های عفاف زنان را این‌گونه بیان می‌فرماید:

۱- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن ج ۵، ص ۱۹۰.

۲- سیاح احمد، مترجم فرهنگ بزرگ جامع نوین (ترجمه المنجد)، ج ۲، ص ۱۳۰۵.

۳- کوهی محمد رضا، آسیب‌شناسی شخصیت زن، ص ۲۹۳.

۱. عفت در گفتار

در آیه ی ۳۲ سوره ی احزاب درباره ی وظایف زنان در لزوم رعایت عفاف در سخن گفتن با مردان نامحرم می فرماید:

﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾؛
«پس به گونه ای هوس انگیز سخن نگویید که بیمار دلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویید».

خضوع در اینجا به معنای این است که زنان در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف نکنند تا مردان بیمار دل را دچار ریه و خیال های شیطانی کنند و شهوت آنها را برانگیزانند منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است؛ آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوت باز می دارد.

و (قولاً معروفاً) یعنی سخن معمولی و مستقیمی بگویند که به دور از کرشمه و ناز باشد و شرع و عرف اسلامی آن را پسندیده دارد.^۱

این آیه اشاره به کیفیت و محتوای سخن گفتن و حرمت صحبت کردن باناز و عشوه دارد و صحبت کردن بانامحرم باید عفیفانه و به دور از نرمش و خضوع و خودنمایی باشد. همچنین بر اجتناب از هرگونه سخنان بیهوده و غیر ضروری و شهوت انگیز تأکید دارد و متذکر می گردد در صورت عدم رعایت این امر ممکن است در اثر نمایش جاذبه های زنانه و سخنان هوس آلود، افرادی که از سلامت روحی و روانی و اعتدال نفسانی - که در اثر ضعف یا فقدان ایمان می باشد -

۱- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۴۶۱.

۲- جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، ص ۴۳۶.

برخوردار نباشند به فکر گناه و فحشا بیفتند و امنیت جامعه را به خطر بیندازند.

۲. عفاف در نگاه

در آیه ی ۳۱ سوره ی نور که به سوره ی عَفَّت و پاکدامنی و حجاب معروف است،^۱ به چندین رفتار عقیفانه اشاره می کند که یکی از آنها وجوب حفظ و کنترل دیده و نگاه است: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ﴾؛ «به زنان مومن بگو چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند». ^۲ همچنین در آیه ی دیگری می فرماید: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾؛ «به مردان مؤمن بگو از بعضی نگاه های خود (نگاه های غیرمجاز) چشم پوشی کنند». ^۳ در شأن نزول این آیات آمده: جوانی در بین راه، زنی را می بیند و به او چشم می دوزد و به دنبال او به راه می افتد. طوری غرق نگاه بوده که صورتش به دیوار برخورد می کند و مجروح می شود، نزد رسول خدا ﷺ می رود و ماجرای خود را نقل می کند و این آیات نازل می گردد. ^۴

«یغضض» از ماده ی ((غض)) به معنای کاهش و کم کردن نگاه است. ^۵ و منظور چشم پوشی از نگاه های حرام و غیر ضروری و شهوت آلود است. در لزوم عَفَّت و پاکدامنی و ترک نگاه حرام، بین زن و مرد،

۱- مکارم شیرازی، ناصر، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۸۹.

۲- نور، ۳۱.

۳- نور، ۳۰.

۴- قرآنی، محسن، تفسیر نور، ج ۸، ص ۱۷۳.

۵- قاموس قرآن، همان، ج ۵، ص ۱۰۵.

فرقی نیست.^۱ بدین ترتیب همان گونه که چشم چرانی بر مردان حرام است، بر زنان نیز حرام است.^۲ حضرت رسول ﷺ می فرماید: «از نگاه‌های زیادی پرهیزید؛ زیرا تخم هوس می پراکند و غفلت می زاید».^۳ همچنین حضرت عیسیٰ ♦ می فرماید:

«از نگاه به نامحرم پرهیزید که بذر شهوت را بر دل می نشانند و همین برای دچار شدن انسان به فتنه کافی است».^۴

از این رو، کنترل چشم می تواند از مهم ترین و اساسی ترین اصول عفاف باشد که باید در مرتبه‌ی اولی رعایت گردد؛ چرا که چشم دروازه‌ی قلب و روح است و هر چه دیده بیند دل کند یاد.

امام علی ♦ می فرماید: «العین رائد القلب»؛ چشم، دل را به دنبال خود می کشد.^۵

بدین ترتیب، کمترین کوتاهی در چشم پوشی از نگاه به نامحرم، تیری مسموم از سوی شیطان است.^۶ قلب که عقل انسان را نشانه گرفته و دل و فکر او را مشغول و به دنبال آن غریزه را مشتعل می کند و از آن پس فتنه ها به دنبال می آورد، که گاه جبران ناپذیر است. به گفته‌ی شاعر:

این نظر از دور چون تیر است و سم
عشقت افزون می شود صبر تو کم

۱- تفسیر نور، همان، ص ۱۷۶.

۲- تفسیر نمونه، همان.

۳- میزان الحکمة همان، ج ۱۳، ح ۲۰۲۴۵.

۴- تفسیر نور، همان، ص ۱۷۴.

۵- تفسیر نور، همان، ص ۱۷۴.

۶- النظرة سهم مسموم من سهام ابليس [میزان الحکمة، همان، ج ۱۳، ح ۲۰۲۸۵].

کسی که عفت چشم پیشه کند و نگاه حرام را دنبال نکند، فکرش فراغت و دلش آرامش می‌یابد^۱ و اوصافش نیکو گشته^۲ و در نتیجه خداوند شیرینی ایمان و عبادت را به او می‌چشاند^۳ و به ازای فروبستن چشم از حرام، قدرت مشاهده‌ی شگفتی‌های عالم و عظمت الهی را می‌یابد.^۴

۳. عفت در شهوت

در ادامه‌ی آیه‌ی ۳۱ سوره‌ی نور می‌فرماید: ﴿وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾؛ [به زنان با ایمان بگو] دامن‌های خود را حفظ نمایند.

«فروج» جمع فرج، به معنای شکاف میان دو چیز است که با آن از عورت کنایه آورده‌اند.^۵

مراد از «حفظ فروج» در این آیه و آیه‌ی ۳۰ همین سوره، به خاطر قرین شدن با «یغضضن» و «یغضوا»، پوشاندن آن از نامحرمان است، نه حفظ آن از زنا و لواط.

۱- امام علی ♦ «من غض طرفه أراح قلبه»، کسی که چشم خود را پایین اندازد دلش را آسوده گرداند [میزان الحکمة، همان، ح ۲۰۲۶].

۲- امام علی ♦ «من عفت أطرافه حسنت أوصافه». هر که نگاه‌هایش پاک باشد، اوصافش نیکو شود. [میزان الحکمة، همان، ح ۲۰۲۶].

۳- رسول اکرم ﷺ: «الأنظر سهم مسموم من سهام ابليس، فمن تركها خوفاً من الله أعطاه الله ایماناً یجد حلاوته فی قلبه» نگاه کردن یکی از تیرهای زهر آلود ابلیس است. پس هر که از ترس خدا چشم خود را (از نامحرم) فروبندد خداوند به او ایمانی عطا فرماید که حلاوت آن را در دلش بیابد [میزان الحکمة، همان، ح ۶۳۲۳].

۴- رسول اکرم ﷺ: «غضواً بصرکم ترون العجائب» چشمان خود را (از حرام) فرو بندید تا شگفتی‌ها ببینید [میزان الحکمة، ح ۲۰۲۶۲].

۵- تفسیر المیزان، همان، ص ۱۵۵.

در ذیل آیه می فرماید: ﴿ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ﴾؛ یعنی این امر باعث تزکیه و شکوفایی استعدادها و رشد شخصیتی و معنوی آنها می شود. در روایت نیز آمده «النزاهة آية العفة»^۲ و «بالعفاف تزكوا الاعمال»^۳. دوری از آلودگی‌ها نشانه‌ی پاکدامنی است. به وسیله‌ی عفت اعمال پاکیزه و مطهر می گردد و در نتیجه انسان رشد می‌یابد، و در غیر این صورت، چشم چرانی و بی‌عفتی مانع رشد معنوی انسان خواهد گردید.^۴

همچنین قرآن در مورد کسانی که امکان برای ازدواج نمی‌یابند می‌فرماید: ﴿وَلَيْسَتَعَفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾^۵ «و کسانی که وسیله‌ی نکاح ندارند به عفت سرکنند تا خدا از کرم خویش از این بابت بی‌نیازشان کند».^۶ در این باره حضرت رسول ﷺ می‌فرماید: «هر که پاکدامنی و مناعت جوید، خداوند او را پاکدامن و با مناعت گرداند، و هر که بی‌نیازی طلبد، خداوند بی‌نیازش گرداند».^۷ بنابراین، قدرت نیافتن برای ازدواج و دسترسی نداشتن به همسر، مجوزی برای گناه کردن و فراهم کردن آن از راه نامشروع

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- نور ۳۰.

۲- میزان الحکمة، همان، ح. ۱۳۱۶۱.

۳- همان، ح. ۱۳۱۶۲.

۴- تفسیر نور، همان، ص ۱۷۴.

۵- نور ۳۳.

۶- تفسیر المیزان، همان، ص ۱۵۲.

۷- «ومن يستعفف يعفه الله، ومن يستغن يغنه الله.»؛ هر که پاکدامنی و مناعت جوید، خداوند او را پاکدامن و با مناعت گرداند و هر که بی‌نیازی طلبد خداوند بی‌نیازش گرداند. [میزان الحکمة، ج ۸، ح ۱۳۱۳۹].

نیست بلکه صبر و عفت لازم است تا خداوند نیز از فضل خود بی نیازشان گرداند»^۱.

۴. عفت در پوشش

مسأله‌ی حجاب و پوشش زن و مستور نمودن زینت‌های ظاهری و باطنی وی، اهمیت بسیاری دارد. خداوند حکیم به دنبال آیه‌ی مذکور، و در چند جای دیگر قرآن به این موضوع با تعابیر مختلف اشاره کرده و زنان را از هتک حرمت خود با بدحجابی و بی‌حجابی و خودنمایی در برابر نامحرم نهی فرموده است.

در ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾^۲ زنان را مکلف می‌کند که نباید جاذبه‌ها و زینت‌های - ظاهری و باطنی - خود را آشکار سازند، مگر آن مقدار که طبیعتاً نمایان است.

کلمه‌ی «ابداء» به معنای اظهار و آشکار کردن است و مراد از زینت زنان محل و موضع زینت است؛ چرا که آشکار کردن خود زینت از قبیل گوشواره و دستبند حرام نیست، بلکه منظور محل زینت است. اما آنچه از زینت‌های ظاهری، پوشاندنش استثنا شده، صورت و دو کف دست و قدم‌ها است^۳. بنابراین، مقتضای آیه نهی از خودنمایی و آشکار نمودن نمودن زینت‌های شهوت‌انگیز و جلوه‌نمایی اندام‌های نهان زنان است. در ﴿وَلِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾^۴ توصیه می‌فرماید: «زنان باید

۱ - تفسیر نور، همان، ج ۸، ص ۱۸۱، با اندکی تغییر در عبارت.

۲ - نور / ۳۱.

۳ - تفسیر المیزان، همان، ج ۱۵، ص ۱۵۶.

سرپوش‌ها و روسری‌های خود را برگردن انداخته و حایل قرار دهند (تا علاوه بر سر، گردن و سینه‌ی آنها نیز پوشیده شود).^۱

«خمر» جمع خمار، به معنای جامه و پوششی است که زنان سر و موی خود را با آن می‌پوشانند. و «جیوب» جمع جیب، به معنای گریبان و سینه است.^۲

بنابر نقل تواریخ، رسم بر این بود که زنان عرب معمولاً لباس‌هایی می‌پوشیدند که یقه‌ی پیراهن و گریبان‌هایشان باز بود و دور گردن و سینه را نمی‌پوشانید. روسری‌هایی هم که روی سر خود می‌انداختند از پشت سر می‌انداختند (همانطوری که هم اکنون بین مردان عرب متداول است) به طوری که گوش‌ها و بناگوش‌ها و گوشواره‌ها و جلوی سینه و گردن آنها نمایان می‌گشت.

لذا این آیه نازل شد که باید پوشش‌ها و روسری‌ها خود را از دو طرف روی سینه و گریبان خود بیفکنند تا قسمت‌های یاد شده پوشیده گردد. به تعبیر ابن عباس، صحابی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، تفسیر آیه، این گونه است: «تغلی شعرها و صدرها و ترائبها و سوافها»؛ یعنی زن باید مو و سینه و دور گردن و زیر گلوی خود را بپوشاند.^۳ این آیه، با اشاره به کیفیت پوشش و حجاب زنان روشن می‌سازد که آنان باید تمام اندام و سر و سینه و گردن و موهای خود را در برابر نامحرم بپوشانند و در پوشاندن خویش نهایت عفاف را رعایت کنند.

۱- نور/ ۳۱.

۲- قاموس قرآن، همان، ج ۱ و ۲، ص ۲۹۹.

۳- مطهری مرتضی، مسأله‌ی حجاب، ص ۱۳۹.

آیه‌ی دیگری درباره‌ی عفت در پوشش وارد شده آیه ۵۹ سوره‌ی احزاب است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾؛ «ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو جلباب‌ها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای این که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است، و خداوند همواره آمرزنده‌ی رحیم است.^۱

سبب نزول این آیه آن بود که شب هنگام که زنان مسلمان به قصد رفتن به مسجد و شرکت در نماز پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از خانه بیرون می‌رفتند، جوانان سر راه آنان می‌نشستند و با سخنان ناروا متعرض آنان می‌گشتند.

«جلابیب» جمع جلباب، به معنای لباسی است سرتاسری که تمام بدن را بپوشاند، و یا روسری مخصوصی است که صورت و سر را ساتر شود. این پوشش باید به گونه‌ای باشد که زیر گلو و سینه‌ها را محفوظ بدارد.^۲

مراد از ﴿ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلا يُؤْذَيْنَ﴾ «این است که با پوشاندن بدن به صورت کامل به عفاف و حرمت و حریت شناخته می‌شوند و مورد تعرض افراد مریض و مغرض و هوسران قرار نمی‌گیرند.

۱- احزاب/۵۹.

۲- تفسیر المیزان، همان، ج ۱۶، صص ۵۰۹، ۵۱۰.

احتمال دیگری که در معنای این جمله داده شده این است که وقتی زن پوشیده و سنگین از خانه بیرون رود و جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند، افراد فاسد و مزاحم، جرأت نمی‌کنند متعرض آنها شوند.^۱ از آنچه گفته شد، روشن می‌گردد که منظور از «جلباب» پوششی وسیع تر از خمار است که همان چادر و حداقل، شیهه چادر - مقنعه‌ی بلند و چادر کوتاه - می‌باشد.

بنابراین، حجاب برتر، حجابی است که تمام اندام زن و برآمدگی‌های سینه و جاذبه‌های بدن وی، به جز گردی صورت و کف دو دست و دو پا، را مستور سازد. شاید بتوان بارزترین پوششی که تمام این خصوصیات را شامل شود چادر دانست.

این پوشش در نظر اسلام به خاطر مصلحت‌هایی در نظر گرفته شده که به سود زنان است. براین اساس، عفاف و پوشش کامل و حجاب عقیفانه زن مؤمن، تجسم حرمت و احترام و بهترین سلاح اوست تا افراد بوالهوس و مریض به فکر تعرض و اذیت نیفتند و هرگز کسی به خود اجازه‌ی فکر باطل ندهد. پس حجاب و پوشش دینی محدودیت و بند و حصار نیست، بلکه موجب مصونیت و حرمت زن است.

حضرت زهرا (س) بانوی بزرگواری که مظهر کمالات الهی و برترین اسوه‌ی انسان‌ها به ویژه زنان می‌باشند، از نظر عفاف و حجاب الگوی بی‌نظیری هستند که با دقت نظر در سیره و زندگانی آن حضرت به اوج عظمت ایشان در همه‌ی عرصه‌ها، به ویژه حیا و عفت و حجاب، می‌توان پی برد.

۱- مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، همان، ص ۱۶۲.

ایشان همان کسی است که زن نیکو و شایسته را زنی می‌داند که مردی را نبیند و مردی او را نبیند.^۱ و شرم و حیا و عفت آن حضرت به قدری بوده که حتی در حضور مرد نابینا خود را محفوظ داشت.^۲ آن تجسم حیا و عفت، تا ضرورتی نبود، به میان جامعه نمی‌آمدند، اما در مواقع حساس و ضروری، در اجتماع حضور می‌یافتند و در مسایل سیاسی و اجتماعی شرکت می‌کردند؛ به ویژه در مسأله‌ی ولایت امیرالمومنین و به یغما رفتن فدک، در مجامع عمومی به مناظره می‌نشستند و از حق خویش دفاع می‌کردند و در عین حال هرگز از پرده عفاف و حجاب بیرون نمی‌رفتند.

در این رابطه نقل می‌کنند هنگامی که برای حضرت ثابت شد فدک غصب گردیده در حالی که لباس‌های بلندی که تمام بدن ایشان را پوشانده بود، وارد مسجد شدند و در جایگاهی قرار گرفته که پرده‌ای بین زنان و مردان حایل بوده و مردان، حضرت را نمی‌دیدند.^۳ این نشان می‌دهد حضرت حتی در میدان مبارزه نیز به عفاف و حجاب اسلامی بسیار مقید بوده‌اند.

۱- آن لا یرین الرجال ولا یراهن الرجال [بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۸، به نقل از زن در آئینه جلال و جمال، همان، ۴۳۸.]

۲- امیر المومنین علی **♦** می‌فرماید: روزی حضرت زهرا در محضر رسول خدا نشسته بود که مرد نابینایی اجازه‌ی ورود خواست، پیامبر مشاهده فرمود که حضرت زهرا (س) بر خاست فرمود: دخترم این مرد نابیناست. پاسخ داد: «ان لم یکن یرائی فائی اراه و هو یشم الریح» اگر او من را نمی‌بیند، من او را می‌نگرم اگر چه او نمی‌بیند اما بوی زن را استشمام می‌کند! [رسول خدا پس از شنیدن سخنان دخترش فرمود: «شهادت می‌دهم که تو پاره‌ی تن من هستی»]. [بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۱، به نقل از فرهنگ سخنان حضرت فاطمه الزهرا محمد دشتی، ص ۷۳.]

۳- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، صص ۲۱۱ و ۲۴۹ به نقل از بابازاده علی اکبر تحلیل سیره فاطمه الزهرا، ص ۱۵۴.]

همچنین خشنودی حضرت فاطمه (س) از محول شدن انجام کارهای خانه و معاف شدن از کار در بیرون از منزل در تقسیم کار توسط حضرت رسول ﷺ^۱ به اوج عفت و حیای ایشان و خودداری از اختلاط با مردان اشاره دارد.

آن حضرت، به حدی به امر حجاب و عفت اهمیت می‌دادند که حتی در بستر مرگ از کیفیت حمل جنازه‌ی خود نگران بودند و به پوشیده بودن و محفوظ بودن بدن خویش از دید نامحرم در هنگام حمل جنازه سفارش کردند.^۲

چنین بانوی با عظمت و بی‌نظیری رابه حق می‌توان با شخصیت‌ترین، اجتماعی‌ترین و در عین حال عقیف‌ترین انسان‌ها دانست که باید ایشان را سرمشق خویش در تمام راه و رسم زندگی قرارداد.

در ادامه‌ی آیه‌ی ۳۱ سوره‌ی نور می‌فرماید: ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ...﴾؛ «زنان نباید جاذبه‌ها و زینت‌های خود راجز برای شوهران خود و محارم سببی و نسبی آشکار سازند».

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱- رسول خدا ﷺ در زمینه‌ی تقسیم کار این گونه داوری کردند: فاطمه (س) را مامور به انجام امور داخل خانه نمود و علی ♦ را نیز به امور خارج از خانه مامور ساخت. دختر پیامبر از این تقسیم کار فوق‌العاده خوشحال شد و چنین اظهار داشت: جز خداوند نمی‌داند که من از چنین تقسیم کار چقدر خوشحال شدم زیرا پدرم رسول خدا مرا از گریبانگیر شدن با مردان معاف داشته است. [وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۳ به نقل از تحلیل سیره‌ی حضرت زهرا، همان، ص ۱۵۳].

۲- روزی حضرت زهرا (س) در بستر بیماری به آسماء بنت عمیس فرمود: من بسیار زشت می‌دانم که جنازه‌ی زن را پس از مرگ بر روی تابوت سرباز گذاشته و بر روی آن پارچه‌ای می‌افکنند، که حجم بدن مشخص می‌گردد. مرا بر روی تابوت آنچنانی مگذار و بدن مرا پوشان که خدا تورا از آتش جهنم باز دارد [کشف الغمّه ج ۲، ص ۶۷ به نقل از: فرهنگ سخنان حضرت زهرا، ص ۷۵].

در این کلام الهی باز هم صحبت از حجاب و حرمت خود آرایبی و خود نمایی و نمایان کردن زینت‌های پنهان نزد نامحرمان است؛ مگر موارد مذکور در آیه (تحت شرایطی که برای هر یک ذکر می‌کند) و برای شوهر دین اسلام حیا و عفت زن را در برابر شوهر مذموم شمرده و فرماید: زن خوب زنی است که در خلوت با شوهرش حیا را از تنش خارج کند و سپس در شرایط عادی حیا را نیز مانند لباس به اندامش بپوشاند.^۱

بدین ترتیب عفت و حیا در برابر شوهر تقبیح و در برابر نامحرم تأکید شده است. این مسأله حکایت از حکیمانه بودن دین مبین اسلام در راستای استواری نظام خانواده دارد.

۵. عفت در کردار

وظیفه‌ی دیگر زنان پرهیز از اعمال و رفتارهای جلب توجه کننده و غیر عقیفانه است:

﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنَ زِينَتِهِنَّ﴾ «هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت‌های پنهان نشان دانسته شود،^۲ و صدای زیورآلاتشان از قبیل خلخال و دستبند و گوشواره به صدا در نیاید».^۳

۱- «خير النساء التي اذا خلت مع زوجها فخلعت الدرع خلعت معه الحياء و اذالبت الدرع لبست معه الحياء»

[وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۱۶، ح ۱۰].

۲- نور / ۳۱.

۳- تفسیر المیزان، ص ۱۸۷، ذیل آیه.

پس هر گونه راه رفتنی که موجب آشکار شدن زیورهای مخفی زن شود از نظر اسلام ممنوع است.^۱ و زنان باید در رعایت عفاف و پرهیز از امور جلب توجه کننده دقت لازم را بنمایند و اعمال و رفتارشان و استفاده آنان از وسایل زینتی و استعمال عطر و بوی خوش به گونه ای نباشد که باعث جلب توجه نامحرم و عامل انحراف فکرها و تباهی دلها گردد.

در آیهی دیگری که مربوط به حرمت خود آراییی و خود نمایی می باشد و این عمل زشت را جاهلانیه و همچون جاهلیت قدیم قبل از اسلام می شمارد، می فرماید: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾؛ «و... [ای همسران پیامبر] در خانه های خود بمانید، و همچون دوران جاهلیت نخستین [در میان مردم] ظاهر نشوید و...».^۲

« تبرج » به معنای ظاهر شدن در برابر مردم است؛ همان طور که برج قلعه در برابر دیدگان مردم ظاهر است. مقصود از «جاهلیت اولی» جاهلیت قبل از بعثت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که در آن عصر، وضعیت پوشش زنان، عقیقانه بوده است.

آیه خطاب به زنان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، اما طبق نظر مفسرین عمومیت دارد و شامل همه ی زنان می شود.

بر اساس این آیه، خود آراییی و خود نمایی زنان - که ویژگی فطری و مشترک میان زنان است - در برابر نامحرم عمل جاهلانیه ای است که زنان عصر جاهلیت به آن گرفتار بودند و زنان مسلمان نباید زیر بار چنین

۱- نور / ص ۱۷۷.

۲- احزاب / ۳۳.

ننگی بروند، بلکه باید این غریزه‌ی طبیعی را در پرتو ایمان و عفت، کنترل و تعدیل و در جهت مثبت آن (در برابر شوهر) به کار گیرند. آن چه از مفاد آیه در مورد جاهلیت نخستین آمده نشان از آن دارد که جاهلیت دیگری همانند جاهلیت قبل از اسلام در پیش است که شاید بتوان آن را با عصر و زمان حاضر منطبق دانست.

در تفسیر قمی روایتی از امام صادق \diamond آمده که بعد از جاهلیت اول، جاهلیت دیگری نیز خواهد آمد^۱ که حاکی از همین جاهلیت مدرن عصر جدید است که مع الاسف مظاهر آن را در جوامع اسلامی نیز می‌توان دید.

از این رو، زنان باید از هرگونه رفتار جلوه‌گرانه و تحریک‌کننده پرهیز کنند و با تأسی از آیه‌ی ﴿ تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ ﴾^۲ که شیوه‌ی راه رفتن زنان اسلامی را ترسیم می‌کند و با اقتدا کردن به بانوی دو عالم فاطمه‌ی زهرا (س)، به شیوه‌ی آن حضرت عمل نمایند.

نتیجه

در روایت آمده: «کسی که در راه خدا جهاد کند و شهید شود اجرش بزرگ‌تر از کسی نیست که بتواند گناه کند و عفت ورزد. انسان پاکدامن نزدیک است که فرشته‌ی ای از فرشتگان خدا شود».^۳

۱- تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۴۷۳، به نقل: تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۳.

۲- قصص / ۲۵.

۳- امام علی \diamond «ما المجاهد الشهيد في سبيل الله بأعظم أجراً ممن قدر فعف، كاد العفيف أن يكون ملكاً من الملائكة» (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴).

این روایت نشان از اهمیت عفاف و بلند مرتبه بودن فرد عقیف و پاکدامن دارد. این مهم بی‌جهت نیست؛ چرا که ثمره و میوه‌ی پاکدامنی را صیانت^۱ عنوان کرده‌اند و کسی که مصوئیت یافت مسلماً بار گناهانش سبک و منزلتش نزد خدا بالا می‌رود.^۲

با دقت در آیات و روایات عفاف در می‌یابیم که زن مسلمان باید همواره سرمایه‌ی عفت و حیای خویش را که خداوند فطرتاً در نهاد وی قرار داده حفظ نماید و تمامی اعمال، رفتار، حرکات و سخنان، نگاه‌ها و پوشش‌های او شیوه‌ی عقیفانه داشته و به دور از هرگونه خودنمایی و جلوه‌گری و حرکت تحریک‌آمیز باشد و روابط او با نامحرم در کمال احتیاط و در حدّ ضرورت و در چارچوب دین صورت گیرد.

همه‌ی این موازین ناشی از نظام حکیمانه‌ی خداوند است و جز برای مصلحت و منفعت زن و خانواده و اجتماع بشر وضع نگردیده است.

به طور یقین، با رعایت عفاف و حجاب آثار و برکاتی از جمله بالا رفتن ارزش و احترام زن، آرامش روانی، پابندی به خانواده و استحکام اجتماع به بار می‌نشیند.

در این راستا، باید با نهادینه کردن فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه در جهت اعتلای آن تلاش نمود و کوشش کرد کسانی که از این امر غافل گشته‌اند، گم شده‌ی فطرت خویش را به دست آورند و جان خموش و شخصیت منکوب خویش را بیدار و زنده گردانند و هویت و اصل خویش را باز یابند.

۱- امام علی ♦ «ثمرة العفة الصیانة» (میزان الحکمة، ح ۱۳۱۵۷).

۲- امام علی ♦ «من عَفَّ حَفَّ وَزَرَهُ، وَ عَظُمَ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرَهُ» (همان، ح ۱۳۱۵۸).

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: آیه الله مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی.
۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴.
۴. طباطبایی، محمد حسین، برگزیده تفسیر المیزان، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، جلد ۱۵ و ۱۶، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴ ش.
۵. علی بابایی، احمد، برگزیده تفسیر نمونه زیر نظر آیه الله مکارم شیرازی، ج ۳، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ ش.
۶. حجت الاسلام و المسلمین قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۸، تهران: انتشارات مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۷. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکم
۸. ترجمه: حمید رضا شیخی، ج ۳ و ۸ و ۱۱ و ۱۳، قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۸۱ ش.
۹. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱ ش.
۱۰. سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین (عربی به فارسی)، [ترجمه المنجد]، ج ۲ و ۱، تهران: انتشارات اسلام، بی تا.
۱۱. بانکی پور فرد، امیر حسین، آئینه زن، مجموعه موضوعی سخنان مقام معظم رهبری، قم: دفتر نشر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۱ ش.
۱۲. مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۳ ش.
۱۳. دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه (س)، تهران: نشر شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.

۱۴. بابازاده، علی اکبر، تحلیل سیره فاطمه زهرا (س)، قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۷۶ ش.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، قم: مرکز نشر اسراء ۱۳۷۸ ش.
۱۶. کوهی، محمد رضا، آسیب شناسی شخصیت زن، قم: انتشارات پارسیان، ۱۳۸۳ ش.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، زهرا (س) برترین بانوی جهان، قم: انتشارات سرور، ۱۳۷۶ ش.
۱۸. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۲ ش.
۱۹. اکبری، محمد رضا، تحلیلی نو و علمی از حجاب در عصر حاضر، انتشارات شهید حسین فهمیده، ۱۳۷۶ ش.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی